روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۴۷۹

سرمایه گذاری برای تولید

■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
آن که در عیب خود نظر کند از نظر در عیب دیگران بازماند.

■اذان ظهر: ۱۲:۰۳ ■غروب آفتاب: ۱۸:۲۷
■اذان مغرب: ۱۸:۴۶ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۰
■اذان صبح فردا: ۴:۱۳ ■طلوع آفتاب فردا: ۵:۳۹

حافظ
با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل
کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست؟

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■مدیر: حسین لطفی
■دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند
گزارش:
■مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من:
■مدیر: سیده زهرا عباسی
■دبیر: زهرا رفیعی
تندرستی:
■مدیر: جواد نصرتی
■دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی

جامعه:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■دبیر: عیسی محمدی
سرگرمی:
■دبیر: فرزام شیرزادی
طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

■سردبیر آنلاین: اسماعیل سلطنت‌پور
■معاونان آنلاین: مجتبی صادقی، کامران بارنجی، حامد فوقانی
■مدیر فضای مجازی: زهراسادات بهشتی
■مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■مدیر تولید تلویزیون: الهه سادات بهشتی

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

دور دنیا

عبور از کانال آب با نیزه!

شاید فکر کنید پرش با نیزه، تنها یک ورزش است و اوج مسابقات این ورزش، در المپیک‌ها یا مسابقات پرش با نیزه جهانی برگزار می‌شود؛ آن هم به‌گونه‌ای که ورزشکاری نیزه به دست، مسافتی را می‌دود و با کمک نیزه‌ای با طول کمتر از ۳متر، از روی مانعی می‌پرد.
اما این هیجان ورزشی تنها مربوط به زمین مسابقات المپیک یا مسابقات جهانی نیست؛ از گذشته‌های دور برخی کشاورزان در روستاهای هلند، برای عبور از کانال‌های آب یا رودخانه‌های نیمه‌خروشان، به سبک قهرمانان پرش با نیزه، از نیزه‌هایی چوبی استفاده می‌کردند. درواقع این کشاورزان اعتقاد چندانی به پل نداشتند و از چنین شیوه‌ای برای عبور از گذرگاه‌هایی این‌چنین استفاده می‌کردند. البته به مرور و از سال ۱۹۵۰میلادی، این پرواز کوتاه، شکل مسابقه به‌خود گرفته است و در برخی روستاها چنین مسابقه‌ای برپا می‌شود.
البته نیزه این ورزشکاران به مرور از تیرهای چوبی، به نیزه‌هایی از جنس آلومینیوم ارتقا پیدا کرد و حالا چند سالی است که این نیزه‌ها از کربن ساخته می‌شود که مقاوم‌تر است و خاصیت ارتجاعی بیشتری هم دارد.
البته این سری از مسابقات، یک تفاوت عمده با مسابقات پرش با نیزه دارد. در مسابقات المپیک، ملاک قهرمانی، ارتفاع موفق بیشتر است، اما در این مسابقات، ورزشکار نیزه را در کانال آب قرار می‌دهد و بعد از دورخیز، نیزه را می‌گیرد و در همین حین که از روی رودخانه با کمک نیزه عبور می‌کند، تلاش می‌کند تا با کمک دست و پایش از نیزه بالا برود و تا قبل از گذرکردن از کانال یا رودخانه، هر چه مسافت بیشتری را از نیزه بالا برود، موفق‌تر است.
این ورزش چندان هم خطرناک نیست و به‌قول برخی احتمال صدمه‌دیدن ورزشکار در این مسابقه از یک فوتبالیست کمتر است. اگر ورزشکار حین بالارفتن از میله یا همان نیزه، تعادلش را از دست بدهد، در نهایت فقط در آب می‌افتد و خیس می‌شود. البته برخی فرودها در آن‌سوی کانال یا رودخانه، کمی دردناک می‌شوند و به‌دست و پا یا مچ ورزشکار هم آسیب می‌زند.

سوژه روز

موتورهای بی‌صدا بلای جان عابران

مینا محمودی | در گذشته، وقتی موتورسواران متخلف، نظم پیاده‌روها را با ورود به حریم عابران بر هم می‌زدند، چون اگزوزهای پرسروصدایی داشتند، عابران بخت‌برگشته را از تخلف خود خبردار می‌کردند و خلاصه ماجرا معمولا ختم به خیر می‌شد. اما در این روزها و با ظهور موتورهای برقی بی‌سروصدا، ماجرا خطرناک‌تر شده.
درواقع این روزها موتورسواران متخلف آن هم گاهی با موتورهای برقی و بی‌سروصدایشان، یکهو و بدون اعلام از پشت سر یا از کنار عابران، بی‌سر و صدا می‌گذرند و موجب ترس عابران می‌شوند.
حتی راکبان برخی از این موتورهای برقی، نوجوان‌هایی‌اند که به‌خاطر برقی‌بودن، بدون گواهینامه به‌خود اجازه تردد می‌دهند. مثلا همین چند روز پیش، ۲ نوجوان را دیدم که سوار بر موتوری بی‌صدا، در پیاده‌رو ویراژ می‌دادند و سالمندی را حسابی ترساندند.
این نگرانی را با هوش مصنوعی طرح کردم و پاسخی خنده‌دار و عجیب داد؛ گفت که از این به بعد کسانی که در پیاده‌رو تردد می‌کنند، باید به آینه‌بغل هم مجهز شوند تا حین تردد، نگران صدمه‌دیدن از موتورسواران بی‌سروصدای پشت سرشان نشوند و این تصویر را هم به‌عنوان نمونه برای من ارسال کرد که شما هم آن را می‌بینید!

چگونه کتاب باز شویم؟

راه‌های رفاقت با یار مهربان

سیدسروش طباطبایی‌پور | روزنامه‌نگار | کتاب؛ این بال‌های فرشته‌گونه که می‌تواند آدمی را در آسمان آگاهی و خیال به پرواز درآورد تا او از بالا به جهان هستی بنگرد و اندیشمندانه‌تر زندگی کند. اهمیت کتاب و مطالعه بر همگان روشن است، اما باید پذیرفت حال اکنون فضای کتابخوانی و نشر در کشور ما چندان خوب نیست و شمارگان بسیاری از کتاب‌های ارزشمند به حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰نسخه رسیده که غم‌انگیز است؛ البته انگار شرایط مطالعه کتاب در فضای مجازی کشور، رو به بهبود است. چندی پیش گزارش یکی از پلتفرم‌های مجازی کتاب کشور، درباره کتابخوانی دیجیتال امیدوارکننده بود. این پلتفرم در گزارش سالانه خود که همین چند روز پیش منتشر شد، اعلام کرد که میزان مطالعه ایرانیان در سال گذشته تنها از آن سکوی مجازی از مرز ۱۲میلیون ساعت گذشته و به کمک این پلتفرم، سرانه مطالعه جمعیت باسواد کشور ۱۰دقیقه افزایش یافته است و کاربرانی که لااقل در سال یک کتاب خوانده‌اند نسبت به سال گذشته ۵۰درصد رشد داشته‌اند. اما پرسشی که همواره ذهن عاشقان کتاب و مروجان کتابخوانی را به خود مشغول کرده، این است که چه کنیم تا آدم‌ها به‌خصوص کودکان و نوجوانان بیشتری در ایران عزیز ما با این یار مهربان، رفیق‌تر شوند؟ در اینجا برخی روش‌های خلاقانه ترویج مطالعه در ایران و دیگر کشورهای جهان را از نظر می‌گذرانیم تا به‌خودمان یادآوری کنیم گاهی ایده‌های نوآورانه حتی یک نفر، یک کتابفروش، یک مدرسه یا یک جریان مردم‌نهاد کوچک هم می‌تواند سرانه مطالعه کشور را افزایش دهد.

۱۲میلیون ساعت میزان مطالعه ایرانیان تنها از یک سکوی مجازی در سال گذشته بوده است

ماکت جودی در باغ کتاب

باغ کتاب تهران، البته یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های فرهنگی با محور کتاب است که از تابستان سال ۱۳۸۳در ۲طبقه و با زیربنایی حدود ۶۵هزار مترمربع و وسعت ۱۱۰هزار مترمربع در اراضی عباس‌آباد به بهره‌برداری رسید که نفس ساخت چنین پاتوق‌هایی با محور کتاب، در ترویج سرانه مطالعه بسیار مؤثر است، اما یکی از ایده‌های خلاقانه ترویج مطالعه در این مکان فرهنگی، ساخت مجسمه شخصیت‌های مشهور کتاب‌های کودکان و نوجوانان است که در مجموعه باغ کتاب پراکنده‌اند. وقتی کودک یا نوجوانی پا به سالن باشکوه باغ کتاب می‌گذارد و با مجسمه بلندبالای جودی آبوت ۱۵ساله‌ای مواجه می‌شود که کتاب در دست دارد، خاطره خوش کتاب بابالنگ‌دراز در ذهنش روشن می‌شود. ماکت شخصیت‌های کتاب‌ها و انیمیشن‌های معروف مثل زورو، سندباد و علی‌بابا، رابین‌هود و چوپان دروغگو و گوسفندانش نیز حس کتابخوانی را در بچه‌ها قلقلک می‌دهد.

جشن کتاب در مدرسه

کتاب‌های درسی، البته فضایی محدود دارند و اولویت گردآورندگان آنها، بیشتر موضوع‌های آموزشی است، اما اگر در مدارس کشور، فضای مطالعه کتاب‌های غیردرسی را جزو برنامه‌های اصلی مدرسه درآوریم، قدم مهمی در افزایش سرانه مطالعه برداشته‌ایم. به‌عنوان نمونه حدود ۱۰سال است یکی از معلم‌های ادبیات در یکی از مدارس تهران، طرحی به نام طرح کتاب سال مدرسه را در کلاس درسش اجرا کرده است. به این ترتیب که بچه‌های کلاس علاوه بر کتاب درسی فارسی خود، موظفند ۵رمان مخصوص گروه سنی نوجوان را که هر سال معرفی می‌شود، بخرند، بخوانند و پس از مطالعه داوری کنند و در پایان هر سال، در آن مدرسه، جشنی به همین نام برپا می‌شود و در آن جشن، از نویسنده منتخب آن کتاب هم دعوت می‌شود تا در جشن کتاب مدرسه حضور داشته باشد. درواقع پای کتاب‌های داستان، به کلاس درس هم باز می‌شود و بچه‌ها را به مطالعه علاقه‌مندتر می‌کند.

۵۰درصد رشد نسبت به سال گذشته برای کسانی که تنها یک کتاب خوانده اند

کتاب بفروش و علاقه‌مند شو

یک کتابفروشی به نام «کتابفروشی اسم» در تهران هم طرحی خلاقانه را برای ترویج کتاب و کتابخوانی آغاز کرده است. در این کتابفروشی، از علاقه‌مندان به دنیای کتاب دعوت شده تا در مسابقه کتابفروشی این فروشگاه شرکت کنند. برای این کار بعد از ثبت‌نام، شما یک روز فروشنده این کتابفروشی خواهید شد و در دنیای کتاب نفس می‌کشید. همان گپ و گفت‌های مستقیم شما با خریداران کتاب، شما را به دنیای کتاب علاقه‌مندتر می‌کند؛ البته جوایزی هم برای این کار درنظر گرفته شده است. همه شرکت‌کنندگان در این طرح، از فروش هر کتاب ۵درصد سود خواهند کرد و کسی که در هر دوره، بیشترین کتاب را بفروشد، معرفی خواهد شد و ۳ماه به‌شکل افتخاری و البته با سود فروش ۲۰درصد، همکار فروشندگان کتابفروشی اسم خواهد شد.

برای عروسکت کتاب بخوان

نتایج یک مطالعه در کشور ژاپن نشان می‌دهد اگر بچه‌ها تصور کنند عروسک آنها از شنیدن داستان‌های یک کتاب لذت می‌برد، ذوق بیشتری برای مطالعه پیدا خواهند کرد. در این مطالعه مؤسسه فناوری اوساکا، برنامه «جشن کتاب شبانه» را برای ۴۲کودک در یک کودکستان اجرا کرد که در آن، مربی یا مادر ۳ماه برای بچه‌ها کتاب خواندند. اما در یک گروه، کتاب‌ها هر شب برای کودک خوانده خواهد شد و برای گروهی دیگر، مادر و کودک، کتاب را برای عروسک کودک می‌خوانند. رفتار کودکان در این پروژه ۹۰روزه بررسی شد و پژوهشگران به این جمع‌بندی رسیدند کودکان گروهی که برای عروسک‌شان کتاب می‌خواندند، به‌شکل چشمگیری علاقه بیشتری به مطالعه پیدا کردند. این طرح اکنون در برخی کشورها در حال اجراست.

۲۰۰هزار کتابخانه کوچک جعبه‌ای در جهان فعالند و بین مردم کتاب پخش می‌کنند

یک کتاب بردار، یک کتاب بذار

همه‌چیز از سال ۲۰۰۹آغاز شد؛ زمانی که تاد، با یاد مادر معلمش، یک قفسه کوچک کتاب جلوی خانه خودشان گذاشت و روی آن نوشت: «یه کتاب بردار، یه کتاب بذار». ایده کتابخانه مجانی کوچک حالا سال‌هاست جهانی شده و اکنون بیش از ۲۰۰هزار کتابخانه کوچک جعبه‌ای در جهان فعالند و بین مردم کتاب پخش می‌کنند. این طرح به شکل‌های گوناگون در جهان و ایران هم اجرا شد؛ مثلا چند سال پیش، طرح جاگذاشتن کتاب در برخی ایستگاه‌های اتوبوس شرکت واحد انجام شد. به این ترتیب که کسی کتابی را که خوانده بود، در ایستگاه مترو قرار می‌داد و روی صفحه اول آن می‌نوشت: «تو هم این کتاب را بخوان و دوباره هر کجا که می‌خواهی، آن را جا بگذار.»

قفسه‌های رؤیایی

شکل ارائه کتاب هم می‌تواند یکی از ایده‌های خلاقانه برای علاقه‌مندکردن بچه‌ها به کتاب باشد؛ مثلا در برخی کشورها، قفسه کتابخانه‌ها آن‌قدر خلاقانه و زیباست که هر کسی را به سمت مطالعه جذب می‌کند یا چند سالی است مریم صالح، مروج کتاب شیرازی، دوچرخه خود را به شکل یک کتابفروشی زیبای سیار درآورده و این قفسه‌های جذاب را کوچه به کوچه به این سو و آن سو می‌برد و رهگذران را به خرید یا مطالعه کتاب علاقه‌مند می‌کند. حتی در مدارس برخی کشورها، دیگر اتاقی را به کتابخانه اختصاص نمی‌دهند و قفسه‌های کتابخانه را در سطح مدرسه پخش کرده‌اند؛ مثلا اگر گذر شما به سالن غذاخوری این مدرسه بیفتد، می‌توانید از قفسه‌ای مخصوص، کتابی بردارید و حین غذاخوردن، کتاب هم بخوانید.

در جست‌وجوی معنا

اگر به رفاه کامل رسیدم؛ چه؟

از مهم‌ترین نکته‌های مرتبط با معناجویی و معناطلبی در زندگی، آن است که باید درک کنیم که چرا زنده‌ایم و اساسا چرایی زندگی ما چیست؟ تا وقتی که در چرایی زندگی خود معنایی را نتوانیم کسب و کاوش کنیم، هرچه جلوتر می‌رویم، خسته‌تر و بی‌روح‌تر می‌شویم. در نهایت با گذر سن، متوجه می‌شویم که بیشتر چیزهایی که شاید برای جوان‌ترها و دیگران نوعی از معنا تلقی می‌شود، برایمان به‌شدت بی‌معنا می‌شود. اما چرا؟
حقیقت آن است که ما یک‌سری معناهای واقعی در زندگی داریم و یک‌سری معناهای مصنوعی؛ درست مثل هر حوزه دیگری؛ شما طلای واقعی دارید و طلای تقلبی، ماشین اصل دارید و ماشین فیک، برند اصل دارید و برند غیراصل که فقط از نام یک برند اصیل دارد برای سودجویی استفاده می‌برد. پس در حوزه معناها هم، ما معناهایی مصنوعی و پلاستیکی داریم؛ مثلا یکی از این معناهای مصنوعی و پلاستیکی، کسب ثروت است. به گفته آچاریا راجنیش، صوفی و فیلسوف هندی، «انسان فقیر چیزهای زیادی برای به‌دست آوردن دارد و همین به زندگی‌اش معانی مصنوعی می‌بخشد. اگر همه‌چیز داشته باشی، پول، رفاه، سلامتی، آنگاه زندگی‌ات بی‌معنی خواهد بود. قبلا نیز بی‌معنی بود، اما معانی مصنوعی پول، ثروت و رفاه باعث شده بود تا فکر کنی زندگی‌ات با معنی است.» یا در نقل‌قول دیگری می‌گوید: «اگر می‌خواهی بدانی زندگی‌ات معانی حقیقی دارد یا نه، ببین اگر همه‌چیز داشته باشی و در رفاه کامل باشی آیا باز هم زندگی‌ات معنایی دارد یا نه؟ اگر نداشت بدان معنای زندگی‌ات مصنوعی بوده است.» یا «در هر کاری که می‌کنی، در تلاش برای کسب هرچیز که هستی به یاد بیاور که از خود بپرسی، اگر موفق شوم آن وقت چه؟ آیا این معنای واقعی زندگی من است یا معنایی است مصنوعی».
پس تا اینجا معنای مصنوعی را فهمیدید. البته اینها که گفتیم، به‌معنای نفی ثروت و تلاش نیست، بلکه عدم‌وابستگی معنایی در زندگی به این موارد است. شما کار می‌کنید و اگر کارتان خوب بود به ثروت و رفاه معقولی هم می‌رسید، اگر هم اتفاق نیفتاد که هیچ، دیگر وابستگی هویتی و معنایی نخواهید داشت.
به روایت برخی فلاسفه، باید خوشبختی شما مشروط به چیزی نباشد؛ در این صورت معنای حقیقی را کشف خواهید کرد؛ اینکه خوشبختی و رضایت خود را به متغیرهای اجتماعی چون ثروت، قدرت، جایگاه شغلی، مدرک، جایگاه آکادمیک و... مشروط و متصل کنید، در ادامه به‌شدت باعث رنج شما خواهد شد. پس به زبان ساده، باید درک کنید که موفقیت‌های ظاهری اجتماعی امروزی، نمی‌تواند برای شما تولید معنا کند و برای کشف معنا، باید تصور کنید که اگر به قله‌های موفقیت مدنظرتان رسیدید، آن وقت چه؟ اگر باز هم با شدت و انگیزه دارید تلاش می‌کنید و این ظواهر برای‌تان چندان معنایی ندارد، یعنی شما توانسته‌اید معناهایی حقیقی برای زندگی‌تان و حتی برای موفقیت‌هایتان کسب و کشف کنید.

عکس خانه

عطر انبه، رنگ هرمزگان

میناب، قطب انبه جنوب ایران، این روزها میزبان جشنی است که رنگ، عطر و طعم را درهم آمیخته است: جشنواره انبه و یاسمین گل. خیابان‌های شهر شاهد کارناوال شادی مردم محلی و صدها گردشگری است که برای تماشای این رویداد فرهنگی گردهم آمده‌اند. زنان و دختران میناب با لباس‌های سنتی رنگارنگ و برقع‌های خاص منطقه، سینی‌های حصیری مملو از انبه‌های سبز و رسیده را بر سر حمل می‌کنند و تصویری بی‌بدیل از اصالت این دیار را به نمایش می‌گذارند.
این رویداد که هر ساله با مشارکت گسترده مردم برگزار می‌شود، فراتر از یک برداشت ساده محصول است؛ این جشن، پاسداشت فرهنگ غنی هرمزگان، احیای سنت‌های بومی و فرصتی برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی و صنایع‌دستی است.